

مدیریت تنوع قومی

مبثنی بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی

سیدرضا صالحی امیری*

چکیده

با توجه به اهمیت مدیریت تنوع قومی در جوامعی که اقوام و نژادهای مختلفی در آن زندگی می‌کنند و تأثیر آن بر میزان سرمایه اجتماعی این جوامع، در این مقاله نخست به معرفی تئوری‌های سرمایه اجتماعی پرداخته و سپس به نقش اعتماد عمومی در سطح کلان سرمایه اجتماعی اشاره نموده و رابطه دولت‌ها و شهروندان در این خصوص تشریح می‌گردد. در ادامه پدیده تنوع قومی در ایران مطرح گردیده و استراتژیهای مدیریت تنوع قومی از عصر قاجار تا دوران انقلاب بیان می‌گردد. در رابطه با معرفی الگوهای سیاستگذاری قومی در دنیا دو الگوی همانندسازی و تکثیرگرایی توضیح داده شده و در خاتمه در راستای حفظ و ارتقاء سرمایه اجتماعی در کشورمان ایران، الگوی بومی وحدت در کثرت معرفی و تشریح می‌گردد. در معرفی این الگو، ضمن بیان این مهم که چگونه می‌توان وحدتی خلق کرد که عین کثرت در آن مشهود باشد؟ به شرح مفروضات این الگو پرداخته و دلایلی که باعث می‌گردد این الگو از مطلوبیت خوبی برای کشورمان ایران برخوردار گردد، ذکر می‌شود.

کلید واژه‌ها

تنوع قومی، مدیریت تنوع قومی، تئوریهای سرمایه اجتماعی، الگوهای مدیریت قومی و الگوی بومی مدیریت تنوع قومی.

* دکترای مدیریت دولتی از دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

تئوریهای سرمایه اجتماعی

تئوری پیوندهای ضعیف^۱

حداقل ارتباط اندکی با هم دارند، ارتباط برقرار کند، نهایت استفاده را خواهد برد. تقویت شبکه‌های شکاف‌دار دارای مزایایی از قبیل ارزیابی سریع و بی‌نظیر اطلاعات قدرت چانه‌زنی مضاعف، و افزایش قدرت کنترل بر منابع و نتایج، به گونه دیگر نیز می‌توان مفهوم تئوری شکاف ساختاری را بررسی کرد. این تئوری فرض می‌کند که بازارها، سازمان‌ها و افرادی که در ارتباط با هم هستند در صورتی که روابط میان آنها ساختار نیافته، بی‌نظم و تعریف نشده باشد، به عنوان یک سرمایه سودآور برای آنها تلقی خواهد شد و هر چه روابط میان آنها منظم‌تر و ساختارمندتر باشد از این سرمایه کاسته می‌شود. به طور کلی رسمیت و قانونمند شدن ساختاری با سرمایه اجتماعی در تعارض است. تئوری شکاف ساختاری، سرمایه اجتماعی را یک شبکه ساختارگونه^۲ تعریف می‌کند که متأثر از عوامل ذیل است:

اندازه شبکه: شبکه‌های وسیع و گسترده، کمتر تحمیلی بوده و اجبار برای تبعیت اعضا کمتر است.
تراکم یا چگالی شبکه: شبکه‌هایی که در آن ارتباط و تعامل میان اعضا شدت بیشتری دارد، اجبار اعضا برای تبعیت زیاد است.
سلسله مراتب شبکه: شبکه‌هایی که در آن روابط

گرانوتر^۳ واضح تئوری پیوندهای ضعیف، معتقد می‌باشد که سرمایه اجتماعی را می‌توان از نظر شدت تکرار و شمولیت انواع مختلف روابط میان دوستیها، همکاریها و . . . مورد سنجش قرار داد. شدت و استحکام روابط یک گروه اجتماعی در داخل گروه موجب تضعیف روابط اعضای آن گروه با بیرون می‌گردد.

در واقع گرانوتر معتقد بود که روابط منسجم میان اعضای یک گروه منجر، به روابط ضعیف با اعضای گروههای خارجی شده و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد و در مقابل، پیوندهای ضعیف درون گروهی موجب ایجاد روابط با افراد و گروههای خارجی شده و به ایجاد سرمایه اجتماعی می‌انجامد. (سیبرت و ولیندن^۳، ۲۰۰۱: ۲۷)

تئوری شکاف ساختاری^۴

این تئوری در سال ۱۹۹۲ توسط "برت"^۵ برای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی بکار برده شد. تأکید تئوری شکاف ساختاری بر رابطه میان "فرد" و "همکاران وی در شبکه اجتماعی" و همینطور روابط میان همکاران با همدیگر می‌باشد. منظور از شکاف در این تئوری، فقدان ارتباط میان دو فرد در یک شبکه اجتماعی است که فی‌نفسه مزیتی برای سازمان تلقی می‌شود. مطابق این تئوری اگر یک فرد در شبکه اجتماعی خود با همکارانی که با هم در ارتباط نیستند یا

1. Weak Ties Theory
2. Granovetter
3. Seibert & Linden
4. Structural Hole Theory
5. Burt

سرمایه اجتماعی در سطح کلان و اعتماد عمومی

در تعاریفی که از اعتماد ارائه می‌گردد به طور معمول از انتظارات یا باورهایی ذکر می‌شود که افراد دوست ندارند دیگران به طریقی قابل پیش‌بینی و نه صرفاً در راستای منفعت شخص خود نشان دهند. به عبارت دیگر ما به دیگران اعتماد می‌کنیم تا منافع مان را در نظر بگیرند. اگر این افراد صرفاً منفعت طلب باشند، این حالت نسبت به آنها شکل نمی‌گیرد، لذا اگر طرف مورد اعتماد فقط نفع شخصی خود را ببیند اعتماد مفهومی پیدا نمی‌کند. به زعم مارچ والسن^۸ ایده محوری اعتماد این است که اعتماد بر نوعی انتظار استوار است (مارچ والسن، ۱۹۸۹؛ ۲۷)

بنابراین اعتماد را می‌توان نوعی انتظار نتایج مثبت دانست که یک طرف می‌تواند بر مبنای اقدام مورد انتظار طرف دیگر، در یک تعامل که مشخصه اصلی آن عدم اطمینان است، دریافت نماید. این تعریف، تعریف کاملی است زیرا:

(الف) در محیطی که عدم اطمینان وجود دارد، شکل می‌گیرد؛

(ب) بیانگر نوعی انتظار است که امکان تخطی از آن وجود دارد؛

(ج) میزانی از اعتماد به طور مستقیم به میزانی از انتظارات پیوند می‌خورد؛

(د) مستلزم دو یا چند طرف است؛

بر پایه یک ارتباط مسلط شکل می‌گیرد، حالت جبر و تحمیل بیشتری دارد.

مطابق این تئوری برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی باید به سه عامل فوق توجه نمود. هر چه اندازه شبکه وسیعتر و تراکم و سلسله مراتب موجود در آن کمتر باشد میزان سرمایه رو به فزونی می‌باشد. (برت، ۱۹۹۷؛ ۴۲)

تئوری منابع اجتماعی^۶

این تئوری که ریشه‌های آن به مطالعات لین و کاتور^۷ در سال ۱۹۸۱ می‌رسد، پیوندهای موجود در شبکه را بدون وجود منابع داخل آن کارآمد نمی‌داند.

از دیدگاه این تئوری فقط منابع موجود در درون شبکه است که می‌تواند به عنوان یک سرمایه قلمداد شود. به عنوان مثال، ممکن است اعضای شبکه دارای منابع زیادی از جمله قدرت، نفوذ و تحصیلات عالی باشند و به عنوان منبع با ارزش شناخته شوند.

اما این منابع تنها در صورتی سرمایه محسوب خواهد شد که فرد نیاز به آن منابع داشته باشد. در مثال اخیر، اگر فرد برای رسیدن به هدفی نیازمند قدرت نفوذ همکار خود باشد، آن منبع خود به خود سرمایه تلقی خواهد شد و تبعاً سایر منابع اعضاء مانند تحصیلات عالی، سرمایه به حساب نخواهد آمد، به طور خلاصه از دیدگاه این تئوری، اعضای موجود در شبکه دارای منابع باارزشی هستند که می‌تواند فرد را در رسیدن به اهداف یاری رساند. (الوانی، نقوی، ۱۳۸۱)

6. Social Resource Theory

7. Lean SC Katour

8. March & Olsen

کاهش یافته است و نوعی سوءظن در روابط شهروندان با این نهادها به وجود آورده است. (الوانی، ۱۳۸۰؛ ۹۲) در جامعه‌ای که اعتماد متقابل میان دولت و افراد وجود نداشته باشد نه قانون قادر به ترمیم آن است و نه زور و اجبار می‌تواند به ایجاد وفاق ملی کمک نماید. بحران اعتماد گاهی ریشه در فرهنگ یک جامعه دارد و زمانی ممکن است معلول ناکارکردی ساختار اجتماعی باشد. (کاظمی، ۱۳۷۹؛ ۲۶۴)

مدیریت دولتی باید بکوشد تا در ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی و ارزش افزوده اجتماعی نقش موثری را ایفا نماید. زیرا تنها در این صورت است که قادر خواهد بود تا اعتماد شهروندان را به خود جلب کرده و در راه تحقق اهداف خود توفیق یابد. (الوانی، ۱۳۸۰؛) به نظر فوکویاما سیستم‌های بسته که دارای ارتباط با محیط بیرون خود نیستند دارای سرمایه اجتماعی مناسبی نمی‌باشند. براین اساس گروههایی که حتی دارای تعداد اعضای زیاد، منسجم و دارای اعتماد به یکدیگر هستند. اگر نتوانند با گروههای دیگر ارتباط موثری برقرار کنند، نمی‌توانند دارای حیات و رشد طبیعی بوده و از فرصتهای موجود در محیط خود استفاده کنند و قطعاً به دلیل ناهماهنگی با محیط بیرونی خود دچار مشکلات جدی خواهند شد.

بنابراین به اعتقاد وی جامعه‌ای دارای سرمایه اجتماعی بالایی است که دارای گروههایی با تعداد اعضای بالا و دارای اعتماد به یکدیگر بوده و منسجم باشند و همچنین بتوانند

(ه) به نتایج مطلوب مرتبط می‌شود، نه نتایج منفی.

بر این اساس وقتی سخن از اعتماد عمومی به میان می‌آید بدین معنی است که عامه مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمانهای دولتی با اقدامات خود در تعامل با عامه که در این تعامل نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه انجام کار در امور سازمانهای دولتی وجود دارد به انتظارات آنها پاسخ دهند. به عبارت دیگر اعتماد عمومی یعنی انتظار عموم از دریافت مثبت پاسخ به خواسته‌هایشان از طرف متولیان امور عمومی، لذا اعتماد به عنوان مبنایی برای نظم اجتماعی در رشته‌ها و سطوح تحلیلی مختلف راه یافته است. درک اینکه چرا مردم اعتماد می‌کنند و همینطور اینکه چگونه اعتماد، روابط اجتماعی را شکل می‌دهد، محور بحث روانشناسان جامعه‌شناسان، اندیشمندان سیاسی، اقتصاددانان، انسان‌شناسان و محققان رفتار سازمانی بوده است. همچنین اعتماد عمومی یکی از محورهای اصلی نظریه‌های دولت و نظریه‌های سازمان دولتی در مدیریت دولتی است. (الوانی، دانایی فرد، ۱۳۸۰؛ ۲۷ و ۵)

اعتماد به دولت و سرمایه اجتماعی

کاهش اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی نیز از بحرانهای جهان امروز است. وقایع ورخدادهای مختلف وضعیتی را به وجود آورده است که اطمینان به نهادهای جمعی، نهادهای کارگری و موسسات تجاری و کارگزاران دولتی به شدت

در ارتباط با محیط بیرون خود موثر عمل کرده و همکاریهای خود را با جوامع دیگر به وجود آورند. این الگوها بیشتر بر بعد مفهومی سرمایه اجتماعی و ارائه آن به صورت روابط ریاضی تأکید دارند، اما هنوز روشهای دقیقی برای محاسبه کمی ضرایب مختلف ارائه شده در این الگوها مطرح نشده است. (علوی، ۱۳۸۰؛ ۳۷)

پدیده تنوع قومی^۹ در ایران

تنوع مصدر باب تفعل عربی و از ریشه نَ وَعَ به معنای گونه گون شدن و یا بودن است که در فارسی به گوناگونی مشهور است. و منظور از قومی آن چیزی است که به "قوم" نسبت داده می شود. در کاربرد امروزی، این واژه به گروهی از مردم که از درجه ای از همبستگی و انسجام برخوردارند و لاقلاً به صورت بالقوه، از منافع و تبار مشترک خود آگاهی دارد. بکار می رود. بنابراین گروه قومی، تجمعی از مردم یا بخشی از یک جماعت نیست، بلکه مجموعه ای خودآگاه از مردمی مرتبط یا شدیداً به هم مرتبط از طریق تجربیات مشترک است. (Gashmore, 2004; 142)

کمتری کشوری در جغرافیای سیاسی کنونی در جهان می توان یافت که جمعیتی از هر حیث یکپارچه و یا اصطلاحاً "بسیط" داشته باشد، اگر کشورهایی را که به صورت طبیعی و از قدیم الایام، بافت متنوع فرهنگی، جمعیتی داشته اند را استثناء کنیم، مهاجرت ها، جابه جایی ها در گذشته و هم اینک پدیده جهانی شدن، تقریباً جمعیت تمام کشورها را

تحت تأثیر قرار داده و بافت آنها را دگرگون ساخته است. با این حال و علی رغم تنوع قومی در ایران تا دوران معاصر شاهد همزیستی مسالمت آمیز اقوام در ایران بوده ایم. اقوامی که به صورت طبیعی زندگی جمعی در کنار هم را تجربه کرده اند. تنوع جمعیتی در ایران فقط ساختار خرده فرهنگی نداشته بلکه این جمعیت از حیث شیوه زیست به روستایی، شهری و ایلاتی تقسیم می شدند. وضعیتی که کمابیش تاکنون به بقا و حیات خود ادامه داده است. به لحاظ طبیعی ایلات در مناطق کوهستانی و حاشیه مرزهای ایران ساکن بوده اند.

اکثر دولت های ملی در سراسر دو قرن گذشته (۱۹ و ۲۰) هر چند به شکلی محدود، با چالش های قومی، مذهبی و منطقه ای مواجه بوده اند. (اسمیت ۱۳۷۷، ۱۶۵)

آذری ها، کردها، لرها، بختیاری ها و عرب ها در غرب، آذری ها، کردها و ترکمن ها در شمال غربی، شمال و شمال شرقی و بلوچ ها در جنوب شرقی، گرچه تمدن و فرهنگ ایرانی محصول تلاش و تعامل همه اقوام ایرانی بوده، دولت ها در ایران همواره توسط ایلات پایه گذاری شده اند.

ایلات به عنوان بنیان گذاران دولت ها

اغلب سلسله های محلی و دولت های ملی در ایران بعد از اسلام را گروه های ایلی بنیان نهاده اند. سلسله های بزرگی چون غزنویان، سلجوقیان، صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه را

رهبران ایلات پایه گذاری کردند.

برای اداره کشور پهناور ایران، استراتژی‌های خاص خود را داشته‌اند، این استراتژی‌ها را از نظر مدیریت تنوع قومی می‌توان استراتژی مدیریت قومی نامید.

ایلات به عنوان مخلوق دولت‌ها

در برخی موارد، دولت‌ها خود ایلاتی به وجود می‌آورند تا از طریق آنها بتوانند به اهداف خاص دست یابند و به ویژه میان دولت‌ها و ایلات رقیب توازن قدرت ایجاد کنند. واقعیت این است که هیچ ایلی، حداقل در قرون اخیر وجود ندارد که کاملاً از تأثیر دولت به دور مانده باشد. (احمدی، ۱۳۸۳، ۶۷-۵۴)

استراتژیهای برجسته مدیریت قومی در سالهای اخیر در ایران به شکل زیر قابل تقسیم بندی می‌باشند:

استراتژی حفظ همبستگی ملی از طریق ایجاد پیوندهای فامیلی میان رؤسای قبایل، ایلات و منتقدان محلی با شاه و درباریان (دوران قاجاریه)

استراتژیهای مدیریت تنوع قومی در ایران

استراتژی اصطلاحی است که ابتدا در نبردهای نظامی به کار رفته است. در فرهنگ لغت آکسفورد از آن به "هنر جنگ"، مدیریت یک ارتش یا ارتش‌ها در نبرد "هنر یک فرمانده کل، در طراحی و هدایت عملیات نظامی و مانورهای بزرگ" تعریف شده است. این تعاریف لاقلاً این مزیت را دارد که خطوط کلی هر استراتژی را مشخص می‌کند. اما از نظر اصطلاحی تعاریف متعددی از این واژه ارائه شده است. به عنوان مثال، چند لرد مورد تعریف استراتژی می‌گوید: استراتژی عبارت است از تعیین اهداف و آرمانهای بلندمدت و اساسی برای یک شرکت و پذیرش مجموعه‌ای از اقدامات و تخصیص منابع لازم برای حصول به این اهداف و آرمانها" (آرمسترانگ، ۱۳۸۱: ۴۷)

استراتژی مهار و سرکوب خوانین و رؤسای ایلات و تخته قاپو کردن عشایر (پهلوی اول) استراتژی مدرن سازی توأم با تحقیر فرهنگی و تبعیض اقتصادی مناطق قومی (پهلوی دوم)

در دوران بعد از انقلاب بنابر دلایل متعدد استراتژی مدون و منسجمی درقبال مدیریت تنوع قومی نداشته‌ایم، وقوع انقلاب و آثار و تبعات آن، جنگ تحمیلی و مسائل ناشی از آن که جزء مسائل عمومی تأثیرگذار بر این روند بوده است.

بخشی از آن نیز به نقص در مهارت‌های مدیران مربوط بوده است. (صالحی، ۱۳۸۳: ۴۱)

الگوهای سیاستگذاری قومی

امروزه در ادبیات سیاسی اجتماعی، از دو مدل یا الگوی عمده سیاستگذاری قومی و فرهنگی بحث به میان آمده است که عبارتند از:

سلسله‌های حکومتی در ایران، هرکدام به تناسب ماهیت تمرکزگرا یا ملوک الطوائفی آن،

کتاب "هماندسازی در زندگی آمریکایی" مراحل جذب گروهها و همگون سازی آنها را با هسته مرکزی جامعه طی هفت مرحله زیر بیان نموده است: (مقصودی، ۱۳۸۰)

۱. همانندسازی فرهنگی

۲. همانندسازی ساختاری

۳. همانندسازی مادی

۴. همانندسازی هویتی

۵. همانندسازی ایستاری - بینشی

۶. همانندسازی مدنی

۷. همانندسازی رفتاری

هماندسازی توسط دولتها می تواند با روشهای متعدد و در اقسام و اشکال گوناگونی به کار گرفته شود. در نمودار شماره (۱)، اقسام و اشکال آن و نیز روشهای خشونت آمیز و منعطف ارائه گردیده است. (صالحی همان منبع: ۵)

با توجه به تئوری پیوندهای ضعیف که در آن جهت افزایش میزان سرمایه اجتماعی بر عدم انسجام میان اعضای گروه تأکید می گردد، به نظر می رسد الگوی همانندسازی مدیریت قومی نیز به نوعی همین دیدگاه را ترویج می نماید، چراکه از نظر آن جامعه ای متجانس و همگن می باشد که در آن جامعه بین گروه ها از جنبه های قومی و فرهنگی، نژادی تفاوتی وجود نداشته باشد و چنانچه شهروندان فقط به عنوان افراد و نه اعضای گروه های قومی محسوب گردند نمی توانند هیچ گونه ادعایی علیه دولت داشته باشند.

مدل همانندسازی^{۱۰}

مدل تکثر گرایی^{۱۱}

هر یک از این مدلها در درون خود به اجزاء و انواع کوچکتری تقسیم می شوند:

الگوی همانندسازی

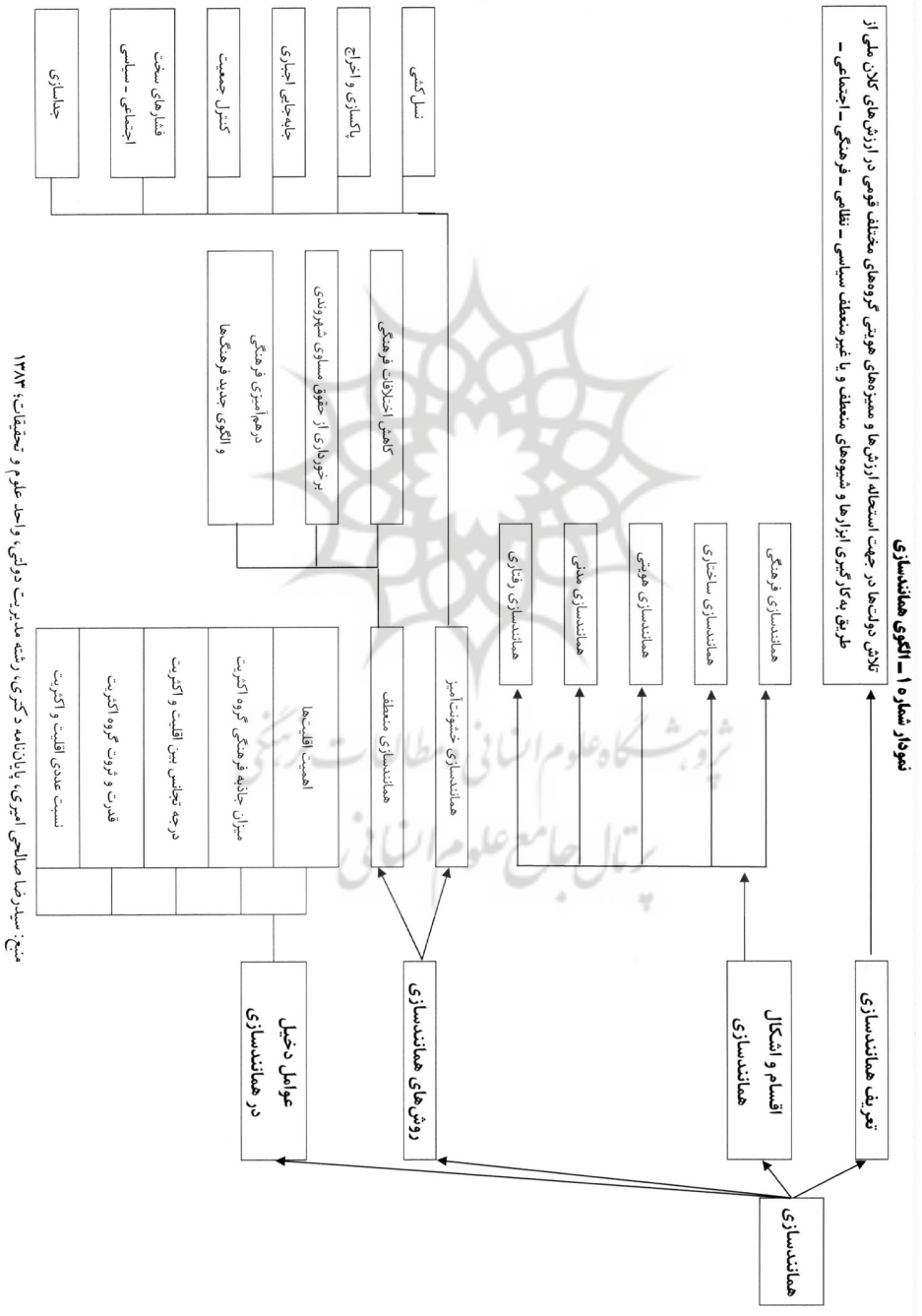
در این الگو، همانندسازی ایده آل یا غایتی منسجم ساز تلقی می شود که سیاستهای دولت و ایدئولوژیها براساس آن شکل گرفته و ترکیبی زیست شناختی، فرهنگی اجتماعی و روانی از گروههای قومی متمایز و منفرد به منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت قومی به وجود می آید. در این صورت اختلافات فرهنگی-ساختاری کاهش می یابد و حاصل آن - جامعه ای متجانس و همگن خواهد بود که در آن بین گروهها از جنبه های قومی فرهنگی نژادی تفاوتی نخواهد بود.

آثار و نتایج سیاست همانندسازی کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروههای قومی است و در صورت تحقق کامل این سیاست جامعه ای - متجانس و همگن به وجود خواهد آمد که در بین گروهها از حیث نژاد و فرهنگ تفاوتی وجود نخواهد داشت، قومیت به عنوان ملاکی برای توزیع نابرابر ثروت و قدرت نقش موثری نخواهد داشت و شهروندان نیز فقط به عنوان افراد و نه اعضای دستجات و یا گروههای قومی محسوب می شوند و نمی توانند هیچ گونه ادعایی علیه دولت متبوع خود داشته باشند. (موسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۰: ۷)

"میلتون.ام. گوردون" جامعه شناس آمریکایی در

10. Assimilation

11. Pluralism



منبع: سیدرضا صالحی امیری، پایان‌نامه دکتری، رشته مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۳

الگوی تکثرگرایی

قومی امکانپذیر دانست.

دیدگاه تکثرگرایی دیدگاهی است که سازمان دهی بیکر سیاسی یک کشور را به نحوی مطلوب می‌داند که در آن هر خانواده فکری - عقیدتی هم امکان و وسایل حراست از ارزشهای خاص خود را دارا باشد و هم آنکه به احقاق حقوق خود نایل آید و زمینه لازم جهت مشارکت فعالانه در صحنه‌های سیاسی را به دست آورد. تحقق چنین نظامی متضمن پذیرش نوعی بی‌طرفی از جانب قدرت حاکم و مشارکت نهادها و گروههای موجود در جهت اعتلای مصالح عمومی است.

به نظر وی در مدل تکثرگرایی افراد تابعیت‌شان را نه از طریق هویت‌های محلی یا بخشی، بلکه مستقیم و بی‌واسطه حفظ می‌کنند. بدین معنی که در روابط خود با نهادهای عمومی که تمامی کلیتهای اجتماعی در دولت - را شامل می‌شود. هر شهروند بیشتر از آنکه به عنوان عضوی از یک جمعیت درون دولت پنداشته شود، به عنوان فرد عمل کرده و پنداشته می‌شود. (موسسه مطالعات ملی، ۱۳۷۶: ۲۱ - ۳)

انواع تکثرگرایی

الف) تکثرگرایی مساوات طلبانه

از دیدگاهی کلی، تکثرگرایی قومی نقطه مقابل همانندسازی است. تکثرگرایی نیز مانند همانندسازی دارای ابعاد و اشکال متفاوتی است اما در همه موارد آن حفظ و یا حتی تشدید تفاوت‌های موجود میان گروههای قومی مفروض دانسته می‌شود. بنابراین سیاستهایی که به جهت حمایت از تکثرگرایی طراحی شده‌اند. تنوع گروهی و حفظ مرزهای جدا کننده گروههای قومی از یکدیگر را تشویق و ترغیب می‌کنند.

در این نوع تکثرگرایی، گروههای قومی مختلف، استقلال فرهنگی و ساختاری خود را حفظ کرده و تفاوت آنها نیز توسط دولت صیانت شده و ضوابط و تدابیر سازمانی معینی نیز جهت توزیع متناسب پاداشهای اجتماعی براساس قومیت (مساوات قومی) تدارک دیده می‌شود. به عبارت دیگر در یک جامعه چند قومی که براساس تکثرگرایی مساوات طلبانه هدایت می‌شود. با وجود تفاوت‌های فرهنگی و ساختاری اقوام، اصل راهنما، برابری قومی است در عین حال که تفاوت‌های قومی از طریق مشارکت گروههای مختلف قومی در یک سیستم سیاسی و اقتصادی واحد، کاهش می‌یابد. از جمله کشورهایی که روابط قومی آن براساس تکثرگرایی برابر شکل گرفته و هویت‌های ممتاز قومی در یک وضعیت کم و بیش برابری با هم در تعامل قرار دارند،

ام‌جی اسمیت^{۱۳} به عنوان یکی از صاحب‌نظران این گروه فکری پیشنهاد می‌کند که در سطوح جامعه شناسان کلان یا تطبیقی باید انواع جوامع را توسط تفاوت‌های اصلی و ساختاری آنها در نهادهای الحاق جمعی شان متمایز ساخت. به عبارتی او این مفهوم را به سطح وسیعتری از گروههای اجتماعی بسط داد و وجود کثرتگرایی ساختاری را در جوامع فاقد تفاوت‌های نژادی و

می توان به کشورهای سوئیس، کانادا، بلژیک، استرالیا، نیجریه و لبنان اشاره نمود که تکثرگرایی مساوات طلبانه با شدت و ضعف متفاوتی در آنها وجود دارد. (چلبی، ۱۳۶۷: ۶)

ب) تکثرگرایی نابرابر

در حالی که سیاست های همانندسازی قومی و تکثرگرایی تساوی طلبانه غالباً در جوامعی رونق دارد که دولت ها، کاهش نابرابری های قومی را

جزء وظایف و تعهدات خود می دانند. سیاست تکثرگرایی نابرابر عمدتاً در کشورهای دنبال می شود که ایدئولوژی نژادپرستانه بر آن تسلط دارد. براساس این ایدئولوژی که مبنای فلسفی تکثرگرایی نابرابر را تشکیل می دهد. میان گروه های قومی و نژادی، تفاوتی ذاتی وجود دارد و لذا گروه هایی که براساس این ایدئولوژی برتر شمرده می شوند، بر دیگر گروه ها حق تسلط پیدا می کنند و در واقع نابرابری و عدم تساوی در بین گروه های قومی، به رسمیت شناخته می شود.

اگر چه الگوهای پیشنهادی در خصوص سیاست های تنظیم روابط قومی، وجوه اصلی روابط قومی را در اغلب جوامع چند قومی آشکار می سازد اما هرگز به طور کامل، ماهیت آنچه را که در این جوامع می گذرد را مشخص نمی کند و آنچه که در عمل رخ می دهد آمیخته ای

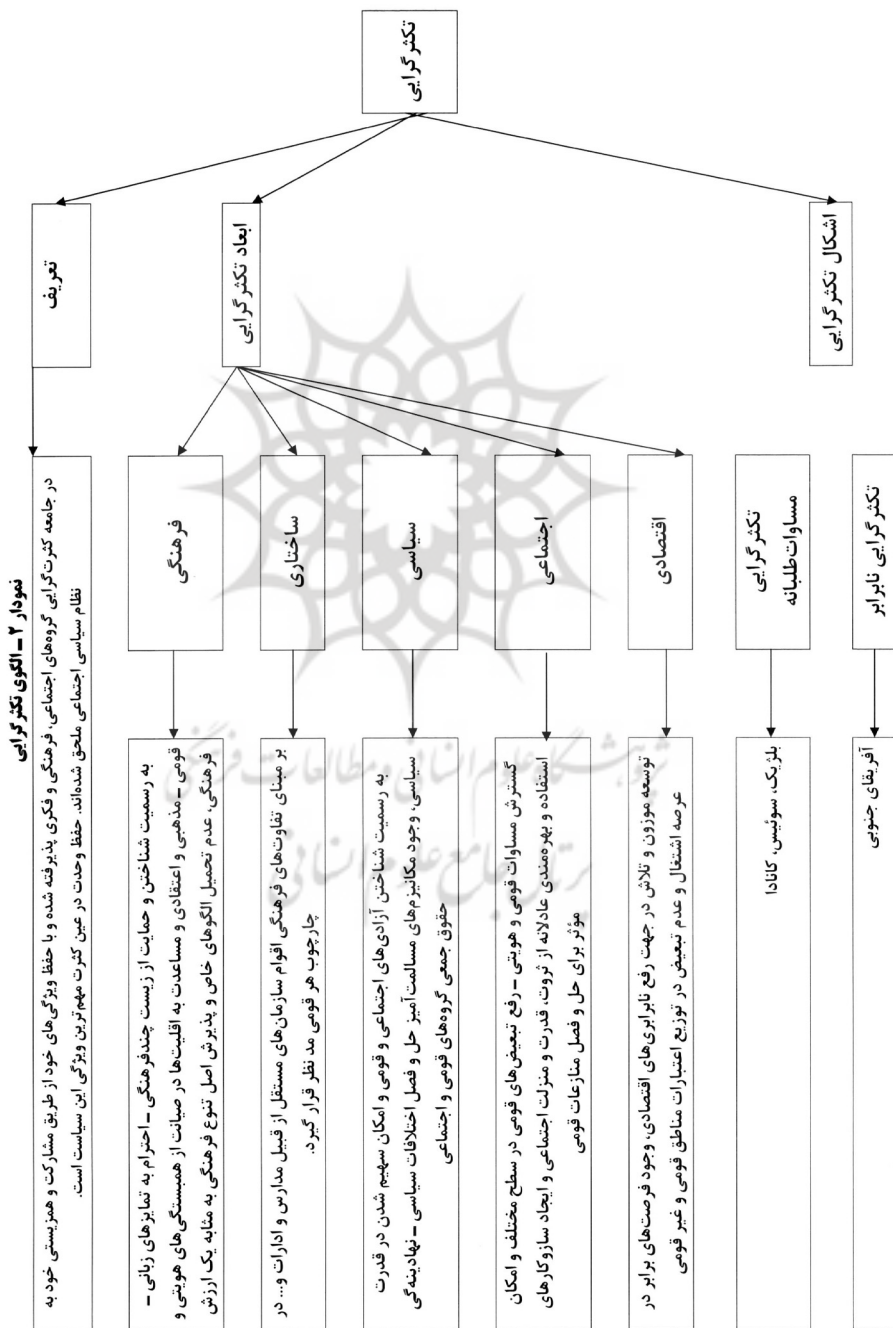
از این الگوهاست. علاوه بر اینکه هیچ یک از این الگوها و سیاست های ملازم با آن نباید غیرقابل نقص و نقض تلقی گردد و هر کشوری ممکن است با توجه به مقتضیات درونی و بیرونی خود،

اهداف و ایدئولوژی خاصی را برگزیده و به تبع آن سیاست قومی همگن یا ناهمگنی را در زمانهای مختلف اعلان و یا اجرا نماید و تبعاً در جامعه قومی که انسجام و یکپارچگی آن در سایه همزیستی اقوام مختلف حاصل می شود، محتوا و شکل سیاست های قومی نمی بایست در تعارض با اصل انسجام جامعه ای (ملی) قرار بگیرد. (چلبی، ۱۳۷۶: ۸-۴)

همانگونه که در نمودار شماره (۲) ملاحظه می گردد تکثرگرایی در ابعاد فرهنگی، ساختاری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مطرح و در دو شکل مساوات طلبانه و نابرابر عنوان شده است. با توجه به تئوری شکاف ساختاری که برای مفهوم سازی سرمایه اجتماعی ارائه گردید، به نظر می رسد الگوی تکثرگرایی مدیریت قومی نیز به مثابه تئوری شکاف ساختاری - که اگر یک فرد در شبکه اجتماعی خود با همکارانی که با هم در ارتباط نیستند، ارتباط برقرار کند نهایت استفاده را خواهد برد - تحقق چنین نظامی را در پذیرش نوعی بی طرفی از جانب قدرت حاکم و مشارکت نهادها و گروه های موجود در جهت اعتدالی مصالح عمومی می داند.

الگوی بومی "وحدت در کثرت"

تجربه تاریخ ایران نشان می دهد که در ادوار مختلف، سیاست های متفاوتی با توجه به ماهیت و نوع رژیم سیاسی در ایجاد همبستگی و وفاق عمومی و ملی به کار بسته شده است. به عنوان مثال الگوی فاجاری سیاست قومی به الگوهای تکثرگرا و سیاست رژیم پهلوی اول و دوم با



منبع: سیدرضا صالحی امیری، پایان نامه دکتری، رشته مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات؛ ۱۳۸۲

اختلاف در شیوه اعمال سیاست و در دوران جمهوری اسلامی به الگوهای تکثرگرایی قانونی متمایل بوده است.

۳. وحدت در سطح اجتماعی آن، همواره امری نسبی می باشد.

۴. تعارضات درون و میان اجتماعات ضرورتاً ناشی از تفاوت های درون و میان آنها نیست.

۵. علیرغم وجود تفاوت های بسیار ساختار و جهت کلی اجتماعات انسانی به سوی وحدت است.

۶. سیاست های انسجام و وحدت اجتماعی و ملی، به جای توجه به یکسان سازی صفات و خصایل ذاتی و اکتسابی افراد، گروهها و . . . بایستی به وحدت به معنای انسجام در کلیت و همسویی در جهت گیری آن معطوف گردد.

۷. تنوع ویژگی ذاتی هستی یا جهان^{۱۳} به طور عام و موجود انسانی^{۱۴} به طور خاص می باشد. (صالحی، همان: ۶۴)

به نظرمی رسد با به کارگیری الگوی وحدت در کثرت^{۱۵} مزایای ناشی از به کارگیری هر دو الگوی همانندسازی و تکثرگرایی در جهت افزایش میزان سرمایه اجتماعی در سطح ملی حاصل گردد. چراکه در سایه استفاده از این الگو هم بر میزان انسجام میان افراد یک قوم افزوده شده و از سویی این انسجام مانع از ایجاد ارتباط اقوام با یکدیگر نگردیده و نهایتاً سرمایه اجتماعی در سطح ملی تضمین خواهد شد.

دلایل مطلوبیت الگوی "وحدت در کثرت" برای

ایران

۱. سازگار بودن بنیان های انسان شناختی و کیهان

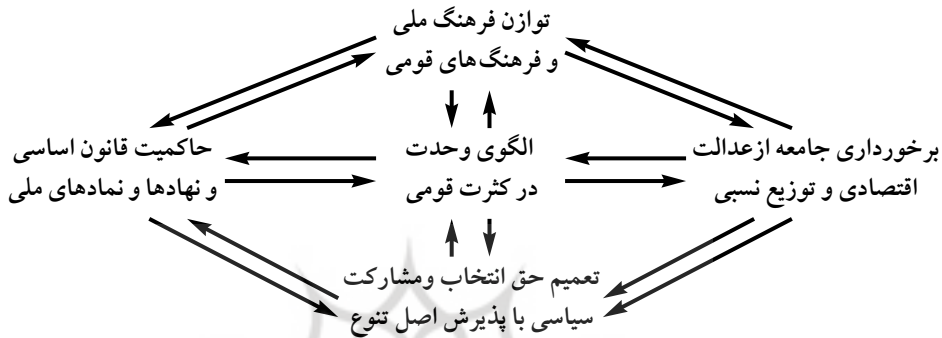
۱. وجود عینی اجتماعی یا ملتی خالص از ویژگیهای قومی امکانپذیر نمی باشد.

۲. تفاوت و تمایز جزء جدایی ناپذیر حیات فردی و اجتماعی نوع انسان می باشد.

13. Universe

14. Human being

نمودار شماره (۳) مدل نظری وحدت در کثرت قومی؛ مدل مرجع مدیریت تنوع قومی و اجزای آن در ایران



منبع: سید رضا صالحی امیری، پایان نامه دکتری، رشته مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات؛ ۱۳۸۳

شناختی این الگو با مبادی و بنیان های انسان شناختی و معتقدات مذهبی جامعه ایران. ۲. سازگار بودن این مدل با مبانی تقنینی نظام. توضیح اینکه در ۱۳ اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی به طور مشخص اصول مستقیم یا غیرمستقیم به برخوردهای حقوقی اقوام و اقلیت های کشور اشاره شده است. (۶۴)

فرجام

بسیاری از کشورهای جهان به علت برخورداری از تنوع قومی و نژادی هر چند به شکلی محدود با چالشهای قومی، نژادی و... مواجه بوده اند. از سویی یکی از پرسش هایی که برای صاحب نظران مطرح می گردد این است که دولتها چگونه می توانند ضمن مواجه شدن با اینگونه چالش ها، شيوه هایی را اعمال کنند تا اینکه میزان سرمایه اجتماعی در سطح کلان حفظ گردد؟

در راستای پاسخ به این مهم در این مقاله

فهرست منابع

- نخست تئوری های سرمایه اجتماعی (پیوندهای ضعیف، شکاف ساختاری و منابع اجتماعی) مطرح شده و از طرف دیگر الگوهای مدیریت تنوع قومی (هماندسازی و تکثرگرایی) تشریح گردید.
- در این مقاله به این مطلب اشاره گردید که بعضی از دولت ها با به کارگیری الگوی همانندسازی در راستای کاهش میزان انسجام در میان افراد یک قوم گام برداشته و دولت هایی نیز برعکس آنها تأکید بر انسجام افراد یک قوم داشته اند. در نهایت، ضمن تلفیق دو دیدگاه تکثرگرا و همانندساز به این مهم اشاره می گردد که در سایه به کارگیری الگوی وحدت در کثرت می توان ضمن حفظ انسجام درونی افراد یک قوم زمینه ارتباط مفید آنها را با افراد سایر اقوام برقرار نموده تا در سایه آن سرمایه اجتماعی در سطح ملی حفظ گردیده و ارتقاء یابد.
- در ادامه ضمن بیان عدم موفقیت های دولتهای ایرانی از عصر قاجاریه تا دوران انقلاب در خصوص بکارگیری الگوی مناسب جهت مدیریت تنوع قومی در ایران و نهایتاً حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی در سطح کلان، و نیز با توجه به ویژگیهای کشورمان ایران، الگوی بومی "وحدت در کثرت" معرفی گردید.
- به نظر می رسد با توجه به دلایل چهارگانه ذکر شده پیرامون مطلوبیت بکارگیری این الگو در ایران، در صورت پیاده سازی آن هم بتوان از میزان نارضایتی اقوام کاسته و هم بتوان بر میزان سرمایه اجتماعی افزود.
- 1- آنتونی اسمیت، منابع قومی ناسیونالیسم فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران ۱۳۷۷.
 - 2- سیدرضا صالحی امیری، مدیریت تنوع قومی در ایران پایان نامه دکتری مدیریت دولتی، واحد علوم تحقیقات، ۱۳۸۳.
 - 3- سیدمهدی الوانی و حسن دانایی فرد، مدیریت دولتی و اعتماد عمومی، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۵۵، ۱۳۸۰.
 - 4- سیدمهدی الوانی و میرعلی سیدنقوی، سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۴ و ۳۳، سال ۱۳۸۱.
 - 5- سیدمهدی الوانی، گفتارهایی در فلسفه تئوریهای سازمان دولتی، تهران: انتشارات صفار- اشراقی، ۱۳۸۰.
 - 6- سیدبابک علوی، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، ماهنامه تدبیر، شماره ۹۴، ۱۳۷۸.
 - 7- حمید احمدی، قومیت و قوم گرایی در ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
 - 8- علی اصغر کاظمی، مدیریت سیاسی و خط مشی دولتی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
 - 9- مسعود چلبی، هویت های قومی و رابطه آن با هویت جامعه ای (ملی) در ایران، وزارت کشور، دفتر امور اجتماعی، ۱۳۶۷.
 - 10- موسسه مطالعات ملی، نظریه های روابط قومی، تهران: ۱۳۷۶.
 - 11- مجتبی مقصودی، تحولات قومی در ایران، تهران: انتشارات صاحب کوثر، ۱۳۸۰.
 - 12- مایکل آرمسترانگ، مدیریت استراتژیک منابع انسانی (راهنمای عمل)، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۱.
13. Burt, R,S "The contingent value of social capital" **Administrative Quarterly**: 1997, 42 (9).
 14. Seibert, Skraimer, M, Linden, "Asocial capital theory of career success." **Academy of management journal**, 2001, vol. 44m No 2 cashmore, Ell is (2004), Encyclopedia of Race and Ethnic studies, Rout Ledge, London and New York.
 15. March, J, G &, polsen, "**Rediscovering Institutions: the organizational Basis of politics**", New york: free press, 1989.